

بررسی سبک‌شناسانه دلالت‌های آوایی و نحوی زیارت‌نامه اربعین

دکتر محمود شهبازی^۱

فاطمه ورمزیادی^۲

چکیده

زیارت‌نامه‌ها همانند سایر متون دینی، از ادبیاتی والا و باارزش برخوردارند. اگر همانند دیگر متون، در چارچوب علوم و دانش‌های ادبی نوین تحلیل شوند، افزون بر درک زیبایی‌های ادبی آنها، موضوع و محتوای مورد نظر آن به صورت علمی برای مخاطبان عرضه می‌شود.

از جمله دانش‌های ادبی نوین، دانش سبک‌شناسی است که متن ادبی را به لایه‌های آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی تجزیه می‌کند؛ سپس با بررسی ویژگی‌های هر سطح و تکرار آنها در متن، به بیان دیدگاه و احساس خالق اثر درباره موضوع می‌پردازد که مخاطب، شناخت علمی و درکی بهتری نسبت به اثر به دست آورد.

زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، یکی از علامات مؤمن معرفی گردیده است. زیارت‌نامه اربعین از امام صادق علیه السلام نقل شده و در آن، اوصاف و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام، مقام و جایگاه ایشان، وصف دشمنان حضرت و اوصاف اهل بیت علیهم السلام ذکر گردیده است. تحلیل موضوعات زیارت‌نامه اربعین بر اساس دانش سبک‌شناسی، در دو لایه آوایی و نحوی نشان می‌دهد امام صادق علیه السلام در سطح آوایی با تکرار کلمات خاص، قرار دادن صامت‌های هم‌آوا در کنار یکدیگر، تکرار

۱. استادیار دانشگاه اراک (m-shahbazi@araku.ac.ir).

۲. کارشناس دانشگاه اراک (a.mojtaba1339@gmail.com).

مصوت‌ها و کاربرد سجع در کلام خود، افزون بر این که معنای مورد نظر خویش را انتقال می‌دهد، به موسیقی داخلی و بیرونی متناسب با معنای کلام در هر موضوع توجه کرده است تا اثربخشی کلام در مخاطبان دوچندان شود. ایشان در لایه نحوی، جملات اسمیه را برای بیان ثبوت اوصاف امام حسین علیه السلام و جملات فعلیه با افعال مضارع ذکر کرده تا پویایی و حیات معنای جملات را بیان فرماید. از جملات کوتاه برای ذکر احساس و عاطفه و از جملات طولانی برای بیانی آرام بهره برده است. این امور در برخی زیارت‌نامه‌ها تکرار می‌شوند؛ از این رو، افزون بر این که دیدگاه و احساس گوینده زیارت‌نامه - یعنی امام صادق علیه السلام - بیان می‌شود، برخی موضوعات زیارت‌نامه‌های دیگر به طور غیرمستقیم تحلیل می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: زیارت‌نامه اربعین، لایه آوایی، لایه نحوی.

مقدمه

قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و دعاها در مقام متون دینی که از نظر ادبی فاخر و والایند به شکلی گسترده و وافر از دیدگاه دانش‌های ادبی نوین مورد تحلیل واقع شده‌اند تا از نگاه کاملاً علمی و استدلالی به ظرافت‌های ادبی و زیبایی‌های هنری شان اشاره شود؛ اما این مسئله در تحلیل زیارت‌نامه‌ها کم‌رنگ است. بنابراین، سزاوار است زیارت‌نامه‌ها از منظر علوم ادبی نوین بررسی شوند تا انتقال مفاهیم شان از زبان علمی و دقیق باز نماند. در عصر حاضر که زیارت امام حسین علیه السلام و اربعین ایشان شاخص‌ترین و فراگیرترین بُعد زیارت را در دنیا به خود اختصاص داده است، ضرورت بررسی زیارت‌نامه‌های وارده درباره حضرت، بیشتر احساس می‌شود. یکی از این زیارت‌نامه‌ها، زیارت‌نامه اربعین است که از زبان امام صادق علیه السلام نقل شده و قرائت آن در روز اربعین سفارش شده است.

زیارت‌نامه را در چارچوب دانش سبک‌شناسی بررسی می‌کنیم؛ زیرا تحلیلی که دانش سبک‌شناسی با بررسی متن در سطوح آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی ارائه می‌دهد، سبب می‌شود از یک سواندیشه و دیدگاه گوینده و از سوی دیگر، احساس و عاطفه او درباره

موضوع روشن شود که این امر با بررسی ویژگی‌های به کارگرفته شده در هر سطحی و تکرار آنها در سراسر متن محقق می‌گردد.

در این پژوهش بنا بر روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به تعریف سبک‌شناسی و دو لایه آوایی و نحوی، اشاره‌ای مختصر شده است. سپس زیات‌نامه در قالب سبک‌شناسی و شرح دو لایه آوایی و نحوی به هشت عنوان تجزیه شده است تا هر یک از موضوعات در این دو لایه به صورت منسجم‌تر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند و در نتیجه، احساس و دیدگاه امام صادق علیه السلام نسبت به هر موضوع به طور دقیق بیان می‌شود.

پیشینه پژوهش

مقالاتی با عناوین مختلف در کتاب دو جلدی *مقالات فی الامام حسین علیه السلام تألیف عبدالسادة محمد الحداد و کتاب مجموعه مقالات اربعین، نوشته جمعی از نویسندگان،* به تحلیل و بررسی این زیارت‌نامه از زوایای گوناگون، مانند ویژگی‌های امام حسین علیه السلام در زیارت اربعین، پیام اربعین در زیارت اربعین، پژوهشی در اربعین حسینی و... پرداخته‌اند؛ اما هیچ‌یک زیارت‌نامه را از دیدگاه سبک‌شناسی یا سایر دانش‌های ادبی بررسی نکرده‌اند. افزون بر این، حتی مقاله‌ای که زیارت‌نامه‌ای را با چنین رویکردی تحلیل کرده باشد، یافت نشد.

کتاب‌هایی بسیاری همچون *زیارت اربعین، آئینه عرفان و آیت ایمان، النور المبین فی شرح زیارة الاربعین، جلوه‌های حماسی سیاسی در زیارت اربعین* به بررسی روز اربعین و شرح زیارت‌نامه اربعین پرداخته‌اند که هیچ‌کدام، زیارت‌نامه را از لحاظ سبک‌شناسی بررسی نکرده‌اند.

سبک‌شناسی

سبک‌شناسی مکتب‌زبانی است که به بررسی متن ادبی از خلال عناصر زبانی و بلاغی آن می‌پردازد و زبان و بلاغت را همانند پلی برای وصف متون ادبی به کار می‌گیرد (ابوالعدوس، ۲۰۰۷: ۵۱).

بنا بر تعریف معجم ادبی سبک‌شناسی، عبارت است از روش علمی که برای شناخت

چگونگی تعبیر از آن چه در ذهن می‌گذرد، استفاده می‌شود. این علم با زبان‌شناسی متفاوت است؛ زیرا زبان‌شناسی تنها به فراهم آوردن موادی که متکلم یا نویسنده برای بیان افکار خود به آن نیازمند است، می‌پردازد؛ در حالی که سبک‌شناسی روشی است که با آن، به چگونگی انتخاب این مواد برای رسیدن به نوعی خاص از تأثیرگذاری در شنونده یا خواننده می‌توان پی برد (عبدالنور، بی‌تا: ۲۰).

این علم وظیفه‌ی اثر ادبی را با سایر متون متفاوت می‌داند؛ از جمله این‌که اثر ادبی با گزینش معانی خاص، احساسی ویژه را به خواننده منتقل می‌کند و بر عواطف و احساسات وی اثر می‌گذارد. از این رو، سبک‌شناسی پژوهشی برای یافتن ابعاد این معانی و توصیف آنهاست که تنها راه برای رسیدن به این امر، بررسی متن اثر، از خلال ساختار بلاغی و ارتباط‌های زبانی است (عیاد، ۱۹۸۱: ۱۲۴). زبان، وسایل و ابزار متنوعی برای فکر ارائه می‌دهد که گزینش یک بیان خاص از میان بیان‌های مختلف به عهده‌ی شخص است؛ به گونه‌ای که مطابق با اندیشه و هدف او، بیانی مشخص به کار می‌رود. بنابراین، سبک‌شناسی، گفت‌وگوی دائم میان خواننده و نویسنده است که از خلال متنی معین، در چهار سطح متن، جمله، کلمه و آوا صورت می‌گیرد (عزّه، ۱۹۸۶: ۸۷). این سطوح به دلیل پرداختن به واژه‌ها از نظر حروف، حرکات، اصوات آنها، و ارتباط آنها با یکدیگر و بررسی کلمه در جایگاهی که به کار رفته است و مطابقت آن با معنا و نظم جمله، نقشی اساسی در بیان دارند (رافعی، ۱۹۶۱: ۳۴۲). از این رو، سبک‌شناسان از این سطوح برای تحلیل متن ادبی استفاده می‌کنند:

سطح آوا: به بررسی ساختار آواها مطابق با مخارج حروف و ارتباط آنها با معنا می‌پردازد.

سطح صرفی: بارزترین متغیرهای متن، کلمات هستند. از این رو، سبک‌شناسان برای شمارش و آمار و بررسی ساختار صرفی و ویژگی‌های معنایی متن، به کلمات آن توجه دارند.

سطح نحوی: این سطح بیشتر به تحلیل جمله می‌پردازد. جمله تنها وصف زبانی در سطح نحوی است. از این رو شایسته است به ترکیب‌ها و گونه‌های نحوی از نظر ارتباط

آنها با متن و دیگر عناصر متن توجه شود (جبر، ۱۹۸۸: ۱۶-۱۸).

سطح بلاغی: در این سطح، هدف، بررسی عناصر خاص بلاغی نظیر تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه یا عناصر بدیع معنوی مانند توریه، تضاد، ایهام و موارد بسیار دیگر است (فضل، ۱۹۹۲: ۲۲۴).

لایه آوایی

اولین سطح که در بررسی هر زبان مورد توجه قرار می‌گیرد، سطح آوایی زبان است. عنصر آوا از نظر بیانی در دو بُعد اندیشه و احساسات ارزش دارد. هرگاه عنصر آوا با احساسات و اشارات عاطفی هماهنگ باشد، خود را در کلمه نشان می‌دهد که با ساختار زبانی نیز هماهنگ باشد (ابوالعدوس، ۲۰۰۷: ۱۰۰-۱۰۱). با توجه به این تعریف با تحلیل عنصر آوایی کلام یا متن گوینده، می‌توان به احساسات او درباره مخاطب و موضوع دست یافت و با تکرار و تداوم این امر، سبک گوینده مشخص می‌شود.

کاربرد ابزارهای مختلف آوایی در این سطح، موسیقی داخلی یا ایقاع را ایجاد می‌کند که به دو صورت به مخاطب عرضه می‌شود و اثرگذار است:

۱. موسیقی داخلی که از طریق کاربرد محسنات لفظی مانند توازن، جناس، سجع، ترصیع، موازنه یا تکرار حروف (صامت) و اصوات (مصوت) و تکرار کلمات و عبارات ایجاد می‌شود. کاربرد محسنات لفظی و انواع تکرارها در متن، معنا را تقویت و توجه افکار را به آن معطوف می‌کند و در اثرگذاری بر مخاطب، نقشی بزرگ ایفا می‌نماید (غریب، ۱۹۷۱: ۱۷۷-۱۷۸).

۲. موسیقی بیرونی که همان ضرباهنگ و وزن جملات و عبارات است که از ارتباط الفاظ با یکدیگر تشکیل می‌شود و وزن کلی جمله یا عبارت را به وجود می‌آورد و معانی ضمنی و نفسانی را در بر می‌گیرد (ناجی، ۱۹۴۸: ۴۱). به عبارت دیگر می‌توان گفت این موسیقی حاصل ارتباط آوایی الفاظی است که در موسیقی داخلی نقش ایفا کرده‌اند.

در این پژوهش سعی شده است به مواردی که در موسیقی داخلی زیارت نامه نقشی بسزا

دارند اشاره شود. البته در پی این بررسی، موسیقی بیرونی زیارت نامه نمود پیدا می‌کند. برای دریافت بهتر لایه آوایی، بر اساس دو کتاب *خصائص الحروف العربیة و معانیها و حروف المعانی بین الأصالة والحداثة* تألیف حسن عباس، در جدول زیر به معنا و صوت صامت‌ها و مصوت‌ها به عنوان کوچک‌ترین واحدهای تشکیل دهنده آوا اشاره شده است.

صامت‌ها	معانی صامت‌ها	آوای تلفظ صامت‌ها
همزه	بروز، شدت ظهور و حضور، عیانیت	انفجاری
ب	بیان و ظهور، علو، امتلاء	انفجاری و مجهور شدید
ت	اضطراب، رقت و ضعف، طراوت	انفجاری و مهموس شدید
ث	در ابتدای کلمه: فصل و تشتت و در آخر رقت و نرمی و تعلق	مهموس و رخاوت
ج	شدت، قساوت و صلابت، احساسات درونی منفی با تأثیر در چهره	انفجاری، مجهور و احتکاک
ح	رقت، حرارت، حب، احساسات انسانی، زیبایی	مهموس و رخاوت
خ	پراکندگی، غلظت، تخریب، اگر با تلفظ شدید: به معنای احساس اشمئزاز اگر تلفظ خفیف: رقت و رخاوت	مهموس و رخاوت
د	صلابت و کوبندگی، شدت و قساوت	مجهور شدید
ذ	انتشار و اضطراب اندک	مجهور و رخاوت
ر	تکرار و حرکت به نرمی، پویایی و رقت	مجهور متوسط الشده و رخاوت
ز	اضطراب و شدت، تیزترین آوا	مجهور رخاوت
س	امتداد، انتشار، نرمی و سلالت	مهموس رخاوت
ش	انتشار، گرفتگی و اضطراب	مهموس رخاوت
ص	شدت و صلابت و قوت	مهموس رخاوت
ض	غلبه شدت، صلابت، ضخامت	مجهور
ط	ضخامت، درهم پیچیدگی	مهموس شدید
ظ	شدت، قساوت، ظهور همراه با شدت	مجهور رخاوت
ع	عیانیت، علو، ظهور، رقت و نرمی، بهترین آوا برای بیان تمام احساسات انسانی	متوسط الشده
غ	تاریکی، ابهام، پنهان شدن، احساسات خشمگینانه	مجهور رخاوت
ف	رقت و نرمی در آوا، تشتت و پراکندگی، گسترش به نرمی، ضعف و سستی	مهموس رخاوت
ق	صلابت و مقاومت، شدت	مهموس



صامت‌ها	معانی صامت‌ها	آوای تلفظ صامت‌ها
ک	خشونت، ضخامت، احتکاک	مهموس شدید، احتکاکی
ل	التصاق و پیوستگی، نرمی و مرونت، التزام	مجهور متوسط الشدة
م	جمع کردن و بستن، گسترش و امتداد، نرمی و رقت	مجهور متوسط الشدة
ن	صمیمت و انسانیت، جاری شدن، ثبوت و استقرار، باطن	متوسط الشدة
ه	با تلفظ آرام: بلیغ‌ترین آوا برای بیان احساس یاس و حزن و فراق و مصیبت مرگ. با تلفظ شدید: شدت، اضطراب	مهموس رخاوت
آ	علو، برتری، امتداد	مصوت کشیده
ی	معنای صامت: نسبت، تحتانیت،	مصوت کشیده: اثرگذاری عمیق در باطن
و	معنای صامت: جمع کردن، الصاق، استمرار	مصوت کشیده: اثرگذاری مؤثر در ظاهر

۱. جهردر لغت یعنی آشکار بودن و آواز بلند و در تجوید به معنای صوت حاصل از ارتعاش تارهای صوتی است؛ ۲. همس در لغت یعنی صدای آهسته و مخفی بودن و در تجوید، به معنای ارتعاش نداشتن تارهای صوتی است؛ ۳. شدت در لغت به معنای قوت و در تجوید، یعنی انسداد کامل صوت در مخرج حرف؛ ۴. رخوت در لغت به معنای سستی است و در تجوید، عبارت است از جریان کامل صوت در مخرج حرف و در این حروف صدای حرف می‌تواند امتداد یابد؛ ۵. توسط، حالتی بین شدت و رخوت پنج حرف «ل، ن، ع، م، ر» است؛ ۶. احتکاک، ساییش قوی هوا به جداره‌های حلق است که در صدا گرفتگی ایجاد می‌کند (موسوی، ۱۳۸۹: ۳۱).

حرکت‌های کوتاه و بلند و حرکت‌های کوتاه (ا، ا، ا، ا) دلالتگر سرعت و عدم سکون، حرکت، کوتاهی بقا هستند و مصوت‌های بلند (ا، ای، او) به معنای قرار و سکون و استقرار و ثبوت‌اند. از این رو بیانگر آرامش روحی و روانی هستند (سیدی و حاجی رجبی، ۱۳۹۴: ۳۵ - ۳۶). حرکت ضمه، کوتاه‌تر از تلفظ «او» است، اما همان آوا را دارد. این امر در دو حرکت دیگر نیز صادق است (غامدی، ۲۰۰۰: ۴۷). بنابراین معانی که برای مصوت‌های کشیده ذکر شده، در مصوت‌های کوتاه نیز صدق می‌کند، با این تفاوت که معنا در آنها گذرا و کوتاه است؛ مثلاً «او» به معنای تأثیرگذاری عمیق در ظاهر است و حرکت کوتاه ضمه، معنای تأثیرگذاری گذرا در ظاهر را دارد.

لایه نحوی

جمله، عنصر اصلی کلام است؛ زیرا به وسیله‌ای آن، متن برای کاربران زبان قابل فهم و درک می‌شود. نویسنده افکار خود را به واسطه جملات بیان می‌کند و با آنها سخن می‌گوید و ارتباط برقرار می‌نماید (حسینی، ۲۰۰۴: ۱۹۵). بنابراین، به وسیله جمله درک و دریافت از زبان برای مخاطبان به وجود می‌آید؛ به این‌گونه که با خواندن جمله و درک معنای آن، افزون بردیافت عاطفه و افکار گوینده، ارتباط آواها، کلمات و هنرهای بلاغی گزینش شده را با معنای جمله درک می‌کنند. با توجه به این امر که تکمیل معنای جمله، برای ارائه هدف گوینده نقشی اساسی دارد و سبک او را تعیین می‌کند، جمله را در زبان عربی از نظر چارچوب معنا بیان می‌کنیم.

جمله در زبان عربی بنا بر وابستگی معنایی و تکمیل معنا، دو گونه است:

الف) جمله‌های مستقل: اکثر جمله‌ها در زبان عربی از نظر معنا مستقل‌اند؛ مانند «حضر محمد»، «أخوک مسافر» و... فراوانی این‌گونه جملات، سبب سرعت اندیشه و هیجان انگیزی و شتاب سبک می‌شود. در متونی که شور عاطفی و هیجان‌ها غالب‌اند، جمله‌ها گسسته و مستقل هستند. جمله‌های تناوبی، فضای کلام را برای گوینده باز می‌کند تا هیجان‌اتش را به سهولت بیان کند و شتاب متن را افزون نماید (نک: سامرائی، ۲۰۰۷: ۱۴۶؛ فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵، ۲۸۲).

ب) جمله‌های غیر مستقل (جمله‌های وابسته): منظور، وابستگی یک جمله به جمله دیگر است. به عبارت دیگر، حکم جمله اول وابسته به جمله بعد از آن است؛ مانند جمله‌های شرط با حروف شرط جازم و غیر جازم. این وابستگی سبب طولانی شدن جمله و پیچیدگی ترکیب آن می‌شود. جمله‌های وابسته بیشتر برای متون منطقی و برهانی کاربرد دارند و فراوانی آنها مانند جمله‌های بلند و طولانی، حرکت سبک را کند می‌کند (نک: عبداللطیف، ۲۰۰۳: ۶۹؛ فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

گاهی جملات فوق، به وسیله عناصر غیراسنادی مانند صفت، تأکید، بدل، عطف بیان و حروف عطف، تعدد در استفاده از یک عنصر مثل خبر، مفعول‌ها، جملات صله، وصفیه، حالیه و... گسترده و طولانی می‌شوند که فراوانی آنها در اثر، سبکی آرام را رقم می‌زند

(نک: عبداللطیف، ۲۰۰۳: ۶۱-۶۹، ۵۷، ۵۹؛ فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

از سوی دیگر، انتقال افکار و دیدگاه گوینده در جمله، بنا بر اسمیه یا فعلیه بودن آن متغیر است. در جمله اسمیه، اگر خبر اسم بود، جمله بر ثبوت و دوام دلالت دارد. از این روی بیشتر برای مدح و ذم، وصف اشیای جامد و حقایق ثابت به کار می‌رود و اگر خبر آن فعل بود، دلالت بر تجدد و حدوث دارد. جمله فعلیه مناسب برای بیان و حکایت صحنه نبردها و وصف جنگ‌ها و نبردها و بیان ماجراجویی‌ها و قهرمانی‌هاست. از این رو جمله‌های فعلیه مملو از نیرو و جنبش و حرکت و تازگی و تجدد است و مخاطب را برای تغییر و تحول و پیشرفت فرامی‌خواند (فاضلی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴).

با توجه به تقسیم‌بندی فوق، ابتدا جملات زیارت‌نامه از نظر استقلال یا وابستگی معنایی و اسمیه و فعلیه مشخص می‌شوند؛ سپس در چارچوب آنها، آوای هر جمله از حیث کلمات و تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها بررسی می‌شود.

زیارت‌نامه اربعین

زیارت‌نامه اربعین از سوی امام صادق علیه السلام، خطاب به حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام بیان شده که از طریق «صفوان بن مهران جمال» منتشر گردیده است. متن زیارت‌نامه از حیث تکمیل معنای جملات به عناوین مختلف زیر تقسیم شده که به آسانی به تحلیل هر بخش از منظر سبک‌شناسی پرداخته شود:

۱. سلام‌های آغازین؛ ۲. بیان اوصاف و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام؛ ۳. امام حسین علیه السلام و هدف والای ایشان؛ ۴. وصف دشمنان و مخالفان و برخورد امام با آن‌ها؛ ۵. سلام مجدد به امام حسین علیه السلام و بیان اوصاف حضرت؛ ۶. لعن دشمنان و جایگاه دوست و دشمن امام حسین علیه السلام؛ ۷. ذکر خصایل امام حسین علیه السلام و خاندان مطهرش؛ ۸. صلوات و درود بر اهل بیت علیهم السلام.

۱. سلام‌های آغازین

۱. السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيَّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ؛ ۲. السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيِّهِ؛ ۳. السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ؛ ۴. السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ؛ ۵. السَّلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ

الْكُرْبَاتِ وَقَيْلِ الْعَبْرَاتِ.

سلام های آغاز کلام در غالب پنج جمله اسمیه مستقل ذکر می شوند؛ اما کاربرد محدود عطف در سه جمله اول و جمله آخر و دو صفت در جمله چهارم تا حد مختصری جملات را گسترش داده اند؛ ولی عطف نکردن جمله ها به یکدیگر، استقلال آنها را حفظ کرده است. بنابراین، عرض سلام و ادب با نهایت احساس و عاطفه به محضر امام حسین علیه السلام عرضه می شود.

لایه آوایی جملات

موسیقی داخلی این جملات در موارد زیر تجلی می یابد:

- تکرار واژه «السَّلَامُ» به همراه حرف جرّ «عَلَى» در هر یک از جملات، و تکرار اسم «اللَّهِ» در سه جمله نخست، علاوه بر تأکید امام صادق علیه السلام به این واژگان، آهنگی زیبا و اثربخش به جملات بخشیده است تا پژواک واژه ها در ذهن مخاطب بماند.

- انتخاب وزن فعیل برای ذکر اوصاف «وَلِيٍّ»، «حَبِيبِهِ»، «نَجِيبِهِ»، «خَلِيلٍ»، «صَفِيٍّ» و «صَفِيَّهِ» علاوه بر این که به ثبوت اوصاف در وجود امام حسین علیه السلام اشاره می کنند، سبب تکرار مصوت کشیده «ای» در جملات شده اند تا عمق این ویژگی ها را در وجود حضرت بیان شود و از نظر موسیقی نیز در عمق احساس مخاطب نفوذ کند. از سوی دیگر، قرار دادن اوصاف «حَبِيبِهِ»، «نَجِيبِهِ» و «صَفِيَّهِ» در پایان هر جمله به دلیل داشتن وزن و قافیه یکسان، زیباترین نوع سجع را در سه جمله اول ایجاد کرده است تا علاوه بر تأکید معنای اوصاف، از نظر موسیقایی در مخاطب اثربخش تر باشند. گزینش ضمیر «ه» برای ارجاع به امام حسین علیه السلام از سوی امام صادق علیه السلام در جایگاه مضاف الیه این اوصاف و قافیه آنها، سبب شده است ضمیر با کشیده شدن صدا بیان شود تا احساس حزن و اندوه را در کلام امام صادق علیه السلام برای امام حسین علیه السلام بیان کند.

- کاربرد و تکرار صامت های نرم و روان «س»، «م»، «ل» و «ع» آوایی لطیف و نرم و تکرار مصوت های کشیده «آ» و «ای» آوایی آرام و کند به جملات بخشیده اند تا با تلفیق هردو سلام زیارت نامه با آهنگی لطیف و آرام به گوش مخاطب برسد.

- در سه جمله اول، کاربرد مصوت کشیده «آ» در واژه های «السَّلَامُ»، «عَلَى» و «اللَّهِ»



سبب امتداد صدا و وعلو و برتری این سه واژه نسبت به سایر واژگان جمله می‌شود که این موضوع با تکرار آنها در جملات نیز تأکید شده است. چینش این سه واژه در کنار هم جمله «السَّلَامُ عَلَى اللَّهِ» را تشکیل می‌دهد؛ یعنی سلام بر امام حسین علیه السلام در ظاهر، سلام بر خدا را در باطن خود دارد. تکرار صامت «لام» پیش از مصوت کشیده «آ» علو و برتری را متصل به این سه واژه می‌کند.

- اگر صامت «میم» در پایان کلمه قرار گیرد، به دلیل بسته شدن لب‌ها بیشتر معنای جمع کردن می‌دهد؛ اما در واژه «السَّلَامُ» به دلیل جایگاه مبتدا، حرکت ضمه گرفته است تا در هنگام بیان، لب‌ها بسته نشود؛ بلکه با حجمی بیشتری بیان گردد. از این رو معنای گستردگی و فراگیری می‌دهد (عباس، ۱۹۹۸: ۷۴). نکته جالب این است که چینش کلمات به صورتی است که تنها این واژه حرکت ضمه پذیرفته است تا همه کلمات پس از خود را دربرگیرد. این امر در سایر زیارت‌نامه‌ها نیز مشهود است و سبک زیارت‌نامه‌ها به شمار می‌آید؛ زیرا تمامی آنها با جملات اسمیه که مبتدایشان واژه «السَّلَامُ» است آغاز می‌شوند.

- سلام زیارت‌نامه در جمله چهارم، به طور مستقیم به محضر امام حسین علیه السلام با ذکر نام ایشان عرضه می‌شود: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ». از این رو هر کدام از واژگان آن، بر خلاف جملات دیگر، یک مصوت کشیده دارند که در هنگام قرائت از امتداد صدا و کشیدگی آن کاسته نمی‌شود تا علاوه بر این که جمله آوایی سنگین تر و آرام‌تر به خود می‌گیرد، از نظر معانی مصوت‌های کشیده به فراوانی حزن و اندوهی که از ذکر نام حسین در ظاهر و باطن گوینده ایجاد شده نیز اشاره شود. در میان پنج کلمه تشکیل دهنده جمله، واژه «الْحُسَيْنِ» مرکزیت دارد که صامت‌های آن به معانی زیر اشاره می‌کنند:

حاء: به معنای عاطفه و احساس زیبا و حب و حرارت است.

ضمه حاء: تأثیرگذاری کوتاه مدت در ظاهر.

سین: یعنی حرکت، نرمی و روانی.

یاء: تأثیرگذاری عمیق در باطن.

نون: صمیم وجود و باطن.

با توجه به معانی صامت‌ها، نام «حسین» با حب و حرارت عاطفی در ظاهر شروع می‌شود که این حرارت، به نرمی و روانی جریان دارد تا این‌که در صمیم وجود تأثیر عمیق می‌گذارد. می‌توان ایجاد محبت امام حسین علیه السلام را در باطن و درون انسان‌ها این‌گونه به تصویر کشید.

درد و واژه «أَسِيرُ الْكُرْبَاتِ» و «قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ» آواهای درشت و غلیظ با آواهای نرم و سبک در کنار هم ترکیب شده‌اند. امام صادق علیه السلام واژه «أَسِير» را با «الْكُرْبَاتِ» و «قَتِيلِ» را با «الْعَبْرَاتِ» ترکیب کرده است که از یک سو علامت جمع «ات» در پایان کلمات قرار گیرد و از نظر آهنگ و موسیقی در کلام و جمله بارز شوند تا تضاد آوایی آنها نیز مورد توجه واقع شود. «الْكُرْبَاتِ» صامت‌های «ک، ر، ب» و دو حرکت ضمه، سختی‌ها و شدت‌های مداوم و مکرری که آشکار می‌شوند و در ظاهر امر اثر دارند که امام حسین علیه السلام گرفتار این سختی‌ها و مصائب بود؛ اما «العبرات» با صامت‌های «ع، ب، ر» و دو حرکت فتحه و یک مصوت کشیده «ا» به معنای نهایت ظهور و بروز احساس‌ها و عواطف به طور مداوم و مکرر است که در اوج برتری قرار دارند و ادامه دار هستند و کشته شدن امام حسین علیه السلام برای زنده شدن این احساس‌ها بود.

۲. ذکر اوصاف و ویژگی‌های امام حسین علیه السلام

۱. اللَّهُمَّ ۲. اِنِّي اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ ۳. اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِّنَ الدَّادَةِ وَاعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَى خَلْقِكَ مِّنَ الْأَوْصِيَاءِ . . .

جمله دوم، جمله‌ای اسمیه به شمار می‌رود که خبر آن، فعل مضارع متکلم وحده «أَشْهَدُ» است که بیانگر پویایی و مستمر بودن روند این فعل باشد؛ به گونه‌ای که هر کس در هر برهه زمانی زیارت‌نامه اربعین را قرائت کند، این شهادت را از جانب خویش به زبان می‌آورد. این جمله به سبب کاربرد مفعول به در قالب جمله اسمیه «أَنَّهُ وَلِيُّكَ» گسترده شده است. خبر جمله مفعولی «أَنَّهُ وَلِيُّكَ» پنج اسم معطوف است که برای ثبت و تأیید جایگاه و نسب امام حسین علیه السلام ذکر شده‌اند. اسمیه آوردن این جمله، سبب شده

است این جایگاه و نسب، متعلق به زمان و موقعیتی خاص نباشد، بلکه امری همیشگی و مداوم است.

لایهٔ آوایی جمله دوم

- تکرار مجدد اوصاف «وَلِيٌّ»، «صَفِيٌّ» در وزن فعیل وگزینش ضمیر «ک» که مرجع آن خداوند است، در جایگاه مضاف الیه از نظر معنایی، ثبوت اوصاف و جایگاه امام حسین علیه السلام را نزد حق تعالی بیان می‌کند. از سوی دیگر، این نحوهٔ کاربرد سبب شده است آهنگ وزن فعیل تکرار شود و هر صفت با صدای صامت «کاف» پایان یابد تا گرفتگی و سایشی در پایان هر یک از اوصاف به دلیل کاربرد صامت «کاف» ایجاد شود. این مکث و گرفتگی در آهنگ جمله سبب می‌شود هر صفت با مکثی کوتاه در آهنگ کلام بیان گردد تا کاملاً در ذهن مخاطب ثبت شود.

جملهٔ سوم، یک جملهٔ فعلیه به شمار می‌رود که به وسیلهٔ حرف عطف «واو» در قالب پنج جملهٔ فعلیهٔ معطوف، گسترده شده است. امام صادق علیه السلام در این جمله گسترده، مقاماتی که خداوند به امام حسین علیه السلام اعطا کرده است را با افعال ماضی بیان می‌کند تا بر قطعیت وقوع این افعال و ثبوت این مقامات تأکید نماید. کاربرد افعال ماضی در صیغهٔ مفرد مخاطب سبب شده که حضور خداوند در جایگاه فاعل به وسیلهٔ ضمیر «ت» بارزو آشکار باشد تا با تکرارش مدام در ذهن مخاطب تداعی شود. از سوی دیگر ضمیر غایب «ه» متصل به ضمیر «ت» در این افعال تکرار شده است تا با لرزشی که در صدا ایجاد می‌کند، توجه مخاطبان را به مقصود و هدف کلام گوینده که امام حسین علیه السلام است، معطوف نماید (همو، ۲۰۰۰: ۱۱۹).

لایهٔ آوایی جمله سوم

- تکرار ضمیر «ت» در جمله با ایجاد آوایی آهسته و آرام که به سرعت از دهان خارج می‌شود از نظر آوایی، بر فاعلیت مرجع ضمیر - یعنی خداوند - از نظر معنایی تأکید می‌کند که این تکرار، آوایی نرم و رقیق به جمله بخشیده است و تکرار ضمیر «ه» در جایگاه مفعول به و بلافاصله پس از ضمیر «ت» بلیغ‌ترین تعبیر برای بیان احساس اندوه و هجران و دوستی نسبت به امام حسین علیه السلام به شمار می‌رود (همو، ۱۹۹۸: ۵۵، ۱۹۰).

- در این جمله، امام صادق علیه السلام بار دیگر با گزینش واژه‌های هم وزن و هم قافیه «الشَّهَادَةُ، السَّعَادَةُ، الْوِلَادَةُ»، «السَّادَةُ، الْقَادَةُ، الدَّادَةُ»، «الأنبياء، الأوصياء» و کاربرد آنها در پایان هر جمله، زیباترین نوع سجع را در کلام خود ایجاد کرده است تا اوج موسیقی کلام در این کلمات قرار گیرد و توجه مخاطب را بیشتر به آنها جلب کند. وجود مصوت کشیده «آ» بیانگر علو و برتری و ثبوت این ویژگی هاست و صامت «دال» صلابت و پایداری آنها را تثبیت می‌کند.

- کاربرد کلمات متجانس «سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ» و «قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ» و «ذَائِدًا مِنَ الدَّادَةِ» که از یک چیز مشتق شده‌اند، جناس اشتقاق را در جمله نیز ایجاد کرده است. این موضوع سبب شده که این جمله نسبت به جمله قبل و بعد خود با آهنگ بیشتری به گوش مخاطب برسد تا مخاطب، مشتق شدن مقام امام حسین علیه السلام از انساب حضرت را بهتر درک کند.

۳. امام حسین علیه السلام و هدف والای ایشان

۱. فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصْحَ وَبَدَّلَ مُهَجَّتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ ...

اقدامات امام حسین علیه السلام در قالب یک جمله فعلیه و دو فعل ماضی معطوف گسترده شده است. افعال ماضی در این جمله قطعیت وقوع و حتمی بودن این اقدامات را در گذشته بیان می‌کنند؛ اما در جمله آخر، فعل مضارع منصوب «لِيَسْتَنْقِذَ» با لام تعلیل به کار رفته است تا نتیجه و بازتاب زمانی این اقدامات را محدود به زمان حضور امام حسین علیه السلام نکند؛ بلکه کارها و خیرخواهی‌های ایشان به طور پویا و پرتحرک در زمان‌های آینده نیز اثرگذار و بیدارکننده‌اند.

لایه آوایی جمله

- عبارت «فَأَعْدَرَ فِي الدُّعَاءِ» از صامت‌های «فاء» و «عین» در آغاز فعل «فَأَعْدَرَ» و صامت‌های «فاء» و «عین» در «فِي الدُّعَاءِ» تشکیل شده است که معنای جمله با معانی صامت‌ها تأکید شود؛ بدین صورت که «فاء» با آوای آهسته و مهموس گسترش به نرمی را بیان می‌کند و «عین» با آوایی میانه و متوسط، نهایت ظهور و بروز «أعذر»

و«الدعا» را بیان می‌کند؛ یعنی امام حسین علیه السلام با نرمی و ملاحظت اوج خیرخواهی خود را گسترش می‌دهد.

- در عبارت «مَنْحَ النَّصْحِ» انتخاب فعل «مَنْحَ» و قرار دادن آن در کنار «النَّصْحِ» سبب تکرار دو صامت «نون» و «حاء» شده است معنای جمله را از نظر آوایی تکمیل و تأکید کنند؛ یعنی امام حسین علیه السلام هر آن چه در باطن خود داشت، با تمام عاطفه و احساس خود بخشید و عرضه کرد (همو: ۱۵۸، ۱۸۰).

- کاربرد واژگان هم وزن و هم قافیه «الْجَهَالَةِ» و «الصَّلَاةِ» در پایان جمله و در کنار یکدیگر، سبب می‌شود ارتباط و نزدیکی این دو واژه با هماهنگی آنها در ذهن مخاطب باقی بماند.

۴. وصف دشمنان و مخالفان و برخورد امام با آنها

وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَدْنَىٰ وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْحَطَكَ وَأَسْحَطَ نَبِيَّكَ وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالتَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا حَتَّىٰ سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَعَدِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا.

این فراز از زیارت نامه، از سه جمله گسترده تشکیل شده است:

الف) جمله فعلیه «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا» با عطف هفت فعل ماضی گسترده شده است که دشمنان و بدخواهان امام حسین علیه السلام را با جزئیات وصف کند.

لایه آوایی جمله اول

- امام صادق علیه السلام برای بیان این جمله، افعال و اوصافی گزینش فرموده که افزون بر معنای منفی، از صامات‌هایی که به خشونت و قساوت و گسترش آنها اشاره می‌کنند تشکیل شده است. وجود صامت «واو» و «زاء» در فعل «تَوَازَرَ»، عنف و شدت در برخورد با امام حسین علیه السلام را بیان می‌کند (همو: ۱۳۷). فعل «تَغَطَّرَسَ» علاوه بر سختی تلفظ، به سبب ترکیب صامت‌های مهموس «تاء» و «طاء» با صامت مجهور «غین» (همو: ۵۴، ۱۱۸، ۱۲۴) از معانی صامت‌ها نیز بهره برده است. صامت «غین» معنای پنهان شدن و فرو

رفتن و صامت‌های «تاء» و «طاء»، معنای سستی و ضعف را در این فعل تقویت می‌کنند. دو واژه «الْبَشَاقِ» و «التَّفَاقِ» در صامت «قاف» که به معنای قساوت و شدت است، یکسان‌اند؛ اما صامت «شین» انتشار آشکار دودستگی و شقاق را معنا می‌دهد و صامت «نون» به معنای نفوذ پنهانی نفاق است (همو: ۱۱۳، ۱۴۱، ۱۵۸).

- امام صادق علیه السلام نگاه دنیاپرستانه دشمنان و بیزاری آنها را از آخرت، با تقابل دو جمله «مَنْ عَرَّثَهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَزْدَلِ الْأَذْنَى» و «شَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالْثَمَنِ الْأَوْكَسِ»، از نظر معنایی و لفظی به زیبایی نشان می‌دهد. دو فعل «عَرَّثَهُ» و «شَرَىٰ» تضاد آوایی دارند. فعل «عَرَّثَهُ» به سبب صامت‌های «غین» و «راء مشدّد» به سختی تلفظ می‌شود و صامت «غین» که به معنای پنهان شدن و مخفی کردن است که همراهش نابودی و عدم باشد (همو: ۱۲۴)، معنای مد نظر امام را بیان می‌کند. ولی فعل «شَرَىٰ» بدون هیچ صامت سختی در نهایت روانی تلفظ می‌شود و صامت «شین» در آن، معنای انتشار و عرضه یک چیز دارد و بدون هدف و نظم است (همو: ۱۱۳). آوای دو صفت «الْأَذْنَى» و «الْأَوْكَسِ» به گونه‌ای است که ناچیزی و حقارت آنها علاوه بر معنا، در تلفظ ظاهری شان نیز آشکار می‌شود.

- امام با ذکر جناس اشتقاق در دو واژه «الدُّنْيَا» و «الْأَذْنَى» قرابت و ارتباط این دورا با یکدیگر برای مخاطب یادآور می‌شود.

- تکرار فعل «أَشْحَطَّ» علاوه بر تأکید معنای حتمیت وقوع فعل، با آوای خشک و سخت که صامت‌های «خاء» و «طاء» ایجاد کرده‌اند به گوش مخاطب می‌رسد.

ب) امام صادق علیه السلام و اکنش امام حسین علیه السلام را نسبت به دشمنان با جمله «فَجَاهَدَهُمْ فَيْكٌ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا» بیان می‌کند و آن را با عطف دو فعل مجهول گسترش می‌دهد. جارو مجرور «فیک» در این جمله، با اشاره به خداوند، هدف امام حسین علیه السلام از این جهاد را بیان می‌کند. انتخاب و کاربرد دو فعل مجهول در جملات «حَتَّىٰ سُنْفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ» و «أَشْتَبِيحُ حَرِيمُهُ» سبب شده است فاعل آنها - یعنی دشمنان و بدخواهان امام حسین علیه السلام - حذف شوند و دو اسم «دمه» و «حریمه» نایب فاعل این افعال واقع شوند تا مخاطب این امر را دریافت کند که خون و حریم امام حسین علیه السلام سبب نابودی دشمنان و حذف آنها شده است؛ به گونه‌ای که با ریخته شدن و هتک حرمت از بین نمی‌روند، بلکه

چیزی که از بین می‌رود فاعلیت دشمنان است. نکته دیگر این است که در جمله اول چینش واژگان به صورتی است که جار و مجرور «فِي طَاعَتِكَ» - که هدف والای امام حسین علیه السلام به شمار می‌آید - بر خون ایشان مقدم شده است تا ارزش هدف و مقدس بودن آن را بیان کند، به گونه‌ای که امام آن را بر جان خویش مقدم کرده‌اند. در جمله «فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُّحْتَسِبًا» که وصف جهاد امام حسین علیه السلام را می‌کند، صامت‌های «جیم»، «صاد» و «باء» به همراه مصوت کشیده «آ» بیان می‌کنند که امام با نهایت صلابت، قوت، افشاگری و اوج علو و برتری با دشمنان در راه خداوند جهاد کرد (همو: ۹۹، ۱۰۴، ۱۴۷).

لایه آوایی جمله دوم

- در جمله «حَتَّىٰ شَفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاشْتَبِيحَ حَرِيمُهُ» کاربرد افعال مجهول سبب شده‌اند دو اسم «دمه» و «حریمه» حرکت ضمه بگیرند و بدین طریق از نظر آوایی یک وزن داشته باشند و با صامت «میم» و حرکت ضمه یکسان و ضمیر غایب «ه» به فراگیری و گسترش خون و حریم امام حسین علیه السلام همراه با تأثیرگذاری کوتاه مدت در ظاهر و بیداری و هشیاری در بلندمدت اشاره کنند. مصوت کشیده «ای» در «فِي طَاعَتِكَ»، عمق نفوذ این هدف را در جان امام حسین علیه السلام بیان می‌کند و مصوت کشیده «آ» بیانگر علو و برتری و تثبیت آن است.

- با مجهول آوردن فعل «اشْتَبِيحَ» از یک سو مصوت کشیده «ای» در این فعل ایجاد می‌شود و از سوی دیگر «حَرِيمُهُ» به عنوان نایب فاعل به آن نزدیک می‌گردد تا دو صامت «حاء» با حرکت فتحه در کنار هم قرارگیرند و پس از آن وجود صامت «راء» و مصوت کشیده «ای» به ترتیب در «حَرِيمُهُ» سبب شده‌اند امام صادق علیه السلام عمق تأثیرگذاری این واقعه را در درون خود با اندوه و تأسف بیان کند و نشان دهد غم و اندوهش در هتک حرمت حریم امام حسین علیه السلام سنگین تر از ریخته شدن خون حضرت است.

ج) لعن و نفرین دشمنان در جمله «اللَّهُمَّ فَالْعَنُهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً» با عطف فعل «وَعَذَّبْنَاهُمْ» گسترده شده است. کاربرد مفعول مطلق نوعی با ذکر صفت «لَعْنًا وَبِيلاً» و «عَذَابًا أَلِيمًا» سبب تکرار فعل‌های امر شده‌اند و از سوی دیگر، کیفیت عذاب و لعن را مشخص

می‌کنند. این تکرار در لایه آوایی سبب شده است صامت «عین» و «باء» در افعال تکرار شوند تا نهایت ظهور و بروز لعنت و عذاب را از خداوند بخواهند. تنها مواردی که مصوت کشیده «ای» و «آ» هم زمان در کنار صامت «لام» به کار رفته اند در دو صفت «وبیلاً» و «ألیما» است که امام صادق علیه السلام خواستار لعن و عذابی است که در عمق جانشان نفوذ کند و افزون بر این که همراه و متصل به آنان باشد ادامه دار و برقرار بماند. نکته دیگر این است که صامت‌های این جمله، همگی آوایی نرم و روان دارند تا سهولت و آسانی لعن و عذاب را برای خداوند بیان کنند.

۵. سلام مجدد به امام حسین علیه السلام و ذکر جایگاه و اعمال ایشان

۱. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، ۲. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ، ۳. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عَشْتُ سَعِيداً وَمَصِیْتُ حَمِيداً وَمُتُّ فَقِیداً مَظْلُوماً شَهِیداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفِیْت بَعْدِ اللَّهِ وَجَاهِدَتْ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِیْنُ.

از این سلام به بعد، شاهد دو تغییر در روند زیارت نامه هستیم که تا پایان آن ادامه دارد: الف) تا پیش از این فراز در زیارت نامه، ضمیر غایب «ه» برای اشاره به امام حسین علیه السلام به کار رفته است، ولی پس از ذکر جهاد و شهادت حضرت، ضمیر مخاطب «ک» جانشین ضمیر غایب می‌شود تا از این طریق به حضور امام حسین علیه السلام اشاره کند. ب) ضمیر مخاطب «ک» که خداوند را مورد خطاب قرار می‌داد، از این پس بیشتر با اسم ظاهر «الله» ذکر می‌شود.

دو جمله اول همانند سلام‌های آغازین در قالب جمله اسمیه بدون گسترده‌گی برای عرضه نهایت عاطفه و احساس اند که با صامت‌های نرم و رقیق، بیانی لطیف و روان دارد که در خور سلام است. نکته دیگر این است که در سلام‌های نخست و پیش از ذکر شهادت امام حسین علیه السلام، واژه «ابن» همراه کلماتی است که از نظر معنایی عام‌تر بودند؛ ولی در این فراز، این واژه به لقب‌های «رَسُولِ اللَّهِ» و «سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ» که مخصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است متصل شده تا جایگاه خاص امام حسین علیه السلام را روشن کند و تأکید نماید که چه مقامی را به شهادت رسانده‌اند.

جمله سوم، جمله‌ای فعلیه است که با فعل مضارع «أشهد» آغاز گردیده و با تکرار این فعل به وسیله عطف گسترده شده است. در هر سه شهادت مفعول به افعال در قالب جمله اسمیه بیان شده‌اند: «أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ»، «أَنَّ اللَّهَ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ»، «أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ» که دو جمله اول خبرشان اسم است: «أَمِينُ اللَّهِ»، «مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ» تا از بُعد زمان خارج شوند و تنها به ثبوت و دوام این امور اشاره شود. البته در شهادت اول پس از «أَمِينَهُ» نحوه زندگی امام حسین علیه السلام با افعال ماضی بیان شده تا روایتی از گذشته باشند و خبر شهادت سوم افعال ماضی «وَفَيْتَ» و «جَاهَدْتَ» تا قطعیت وقوع و انجام آنها بیان شود. امام صادق علیه السلام در جمله «اللَّهُ مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَدَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ» جزای خداوند را بیان می‌کند. ایشان با قرار دادن «مُنْجِرٌ مَا وَعَدَكَ» و ذکر موصول عام «ما»، نخست رسیدن امام حسین علیه السلام به تمام وعده‌های خداوند را بیان می‌فرماید و سپس جزای قاتلان حضرت را ذکر می‌کند.

لایه آوایی جملات

- تکرار ترکیب «السَّلَامُ عَلَيْكَ»، آهنگی نرم و روان ایجاد کرده است.
 - وصف امام حسین علیه السلام همچنان با کاربرد اوصاف «سَعِيداً»، «حَمِيداً» و «شَهِيداً» در وزن فعلی ادامه دارد.
 - کاربرد واژگان هم وزن و هم قافیه «سَعِيداً»، «حَمِيداً» و «شَهِيداً» در پایان هر جمله، طبق روال، زیباترین سجع را برای تأثیر و بقا در ذهن مخاطب رقم زده‌اند.
 - در دو واژه دیگر «فَقِيداً مَظْلُوماً» تنوین پایانی قرائت می‌شود؛ از این رو حرکت فتحه است که شدت دارد. در واژه «فَقِيداً» مصوت کشیده «ای» و صامت «دال» و تنوین، نفوذ مرگ را بیان می‌کند که قطعی است، اما ادامه دار نیست. در واژه «مَظْلُوماً» مصوت کشیده «او» و صامت «میم» و تنوین، ظلم و ستم به امام در ظاهر امر اثر کرده و پایان دارد و ادامه دار نیست.

- کاربرد زیباترین نوع سجع با ذکر افعال «وَعَدَكَ»، «خَدَلَكَ» و «قَتَلَكَ» در شهادت دوم، سه واژه «مُنْجِرٌ»، «مُهْلِكٌ» و «مُعَذِّبٌ» به تنوین ضمه ختم شده‌اند که همین امر سبب شدت حرکت ضمه می‌شود و معنای شدت و قطعیت را در این حرکت افزایش

می دهد تا قطعیت وقوع این اوصاف را بیان کند.

۶. لعن دشمنان و جایگاه دوست و دشمن امام حسین علیه السلام

۱. فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِدَلِكِ فَرَضِيَّتْ بِهِ، ۲. اللَّهُمَّ، ۳. إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوُّ لِمَنْ عَادَاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ.

جمله اول «فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ» جمله فعلیه‌ای است که به وسیله حرف عطف با تکرار فعل «لعن» و فاعل «الله» گسترده شده است. امام صادق علیه السلام چند جمله قبل، لعن دشمنان را از خداوند خواست و در این جمله فعل «لعن» را ماضی بیان می‌کند تا نشان دهد این امر محقق شده است. از سوی دیگر، ذکر فاعل «الله» به صورت اسم ظاهر و تکرار آن نیز بیان می‌کند که قطعاً لعن از جانب خداوند صورت گرفته است. این لعن برای سه گروه بیان شده است: ۱. قاتلان، ۲. ظالمان به امام حسین علیه السلام و ۳. مردمی که از این ستم آگاهی یافتند و به آن راضی شدند. حرکت کوتاه، بیانگر کوتاهی و مدت اندک و سرعت یک چیز است. افعال این جمله همگی حرکت فتحه دارند تا بیان شود اگر ظلم به امام حسین علیه السلام و قتل ایشان زود انجام شد و کوتاه بود، حتی راضی بودن به این کارها که نسبت به دو فعل «قَتَلَكَ» و «ظَلَمَكَ» طولانی‌تر است، همگی به سرعت از جانب خداوند لعن می‌شوند.

تکرار عبارت «لَعَنَ اللَّهُ» در جمله، علاوه بر تأکید معنا با ایجاد آهنگ عمیقاً در ذهن مخاطب نقش می‌بندد.

جمله سوم «إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ» به وسیله حرف عطف با تکرار خبر «عَدُوُّ لِمَنْ عَادَاهُ» گسترده شده است. این جمله نسبت به سایر شهادت‌های زیارت‌نامه، شهادتی خاص است؛ زیرا برخلاف آنها که جمله فعلیه بودند، این جمله، جمله‌ای اسمیه به شمار می‌رود که خبر آن فعل مضارع «أَشْهَدُ» است. از سوی دیگر، گزینش واژگان از سوی امام به گونه‌ای است که فعل «أَشْهَدُ» در این جمله برای تأکید بیشتر، دو مفعول می‌گیرد تا از یک سو واژه «إِنِّي» دوبار در جمله تکرار شود و از سوی دیگر، خداوند را شاهد این شهادت قرار دهد. خبر «أَنِّي» در مرتبه دوم، اسم‌های «وَلِيُّ» و «عَدُوُّ» است تا محتوای



شهادت بدون بُعد زمان و در نهایت ثبوت و دوام و قطعیت بیان شود و گوینده فعل «أشهد» در هر عرصه زمانی حاضر باشد.

عبارت «إِنِّي أَشْهَدُكَ أُنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُ» از رقیق‌ترین و نرم‌ترین صامت‌ها تشکیل شده است. تکرار صامت «لام» بیانگر اتصال و پیوستگی این محبت و دوستی است و صامت «نون»، بیانگر این است که دوستی از صمیم دل نشأت می‌گیرد و مصوت‌های کشیده ثبوت و دوام این امر را نشان می‌دهند. اما در عبارت «عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ»، ترکیب صامت‌های «عین»، «دال» و «واو» مشدد همراه تنوین ضمه «درواژه» «عَدُوٌّ» به آوای این واژه سختی و صلابتی شدید داده‌اند؛ در مقابل، وجود مصوت کشیده «آ» در «عَادَاهُ»، پس از «عین» و «دال» از سختی آوای آنها کاسته و به امتداد آوایی این دو افزوده است تا بیان شود که اگر دشمنی سخت هم نباشد، ولی ادامه دار باشد، قاطعانه دشمن او هستیم. جناس اشتقاق میان «وَلِيٌّ، وَالَاهُ» و «عَدُوٌّ، عَادَاهُ» و سجع میان «وَالَاهُ» و «عَادَاهُ» در کنار تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها موسیقی درونی و بیرونی بسیار اثر بخشی به جمله بخشیده‌اند.

۷. ذکر خصایل امام حسین علیه السلام و خاندان مطهرشان و پیروی از راه امام

۱. أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُجْحَسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْلِهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا، ۲. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، ۳. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبِرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، ۴. وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَيِّمَةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُبَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، ۵. وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَيَا أَيُّهَا بَيْتُكُمْ مَوْقِنٌ بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ.

امام صادق علیه السلام در این فراز از زیارت‌نامه، شهادت خود را در قالب جمله فعلیه «أشهد أنك كنت نوراً في الأصلاب الشامخة والأرحام المطهرة لم تجحسك الجاهلية بأنجاسها ولم تلبسك المدلهمات من ثيابها، ۲. وأشهد أنك من دعائم الدين وأركان المسلمين ومعقل المؤمنين، ۳. وأشهد أنك الإمام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي، ۴. وأشهد أن الأئمة من ولدك كلمة التقوى وأعلام الهدى والعروة الوثقى والحبة على أهل الدنيا، ۵. وأشهد أنني بكم مؤمنٌ ويا أيها بيتكم موقنٌ بشرائع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبك سلمٌ وأمرى لأمركم متبّعٌ ونصرتي لكم معدّةٌ حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم.» شروع می‌کند و با عطف پنج جمله فعلیه با تکرار فعل «أشهد» آن را گسترش و بسط می‌دهد. جملات این شهادت‌ها بنا بر امر مورد شهادت سه بخش می‌شود:

۱-۷. شهادت به ویژگی‌های امام حسین علیه السلام در سه جمله معطوف اول

خبر جمله اول «أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ» فعل ماضی «كُنْتَ» است تا روایت‌گر گذشته - یعنی پیش از شهادت امام حسین علیه السلام - باشد. خبر در دو جمله دیگر که بیانگر جایگاه و مقام و خصلت‌های امام حسین علیه السلام هستند، با تکرار و به صورت شبه جمله و اسم ذکر شده‌اند تا فارغ از بُعد زمان، ثبوت ویژگی‌ها را در وجود امام حسین علیه السلام با تأکید بیان کنند.

در عبارت «لَمْ تَنْجِسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا» صامت «جیم» احساس منفی درونی امام صادق علیه السلام را نسبت به سه واژه‌ای که این صامت در آنها به کار رفته است بیان می‌کند (عباس، ۱۹۹۸: ۱۰۸) تا با تمام وجود، آنها را از امام حسین علیه السلام نفی کند؛ همان‌گونه که در چینش جملات، این جمله به ماقبلش عطف نشده است.

دروازه‌های «التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ» کاربرد اوصاف بدون حرف عطف اشاره به ارتباط عمیق آنها دارد. صامت‌های «قاف»، «ضاد»، «کاف» و «دال» صلابت و شدت حضور این خصلت‌ها را در وجود ایشان بیان می‌کنند و صامت مشدد «یاء» با حرکت ضمه، به تأثیرگذاری این ویژگی‌ها در ظاهر و باطن امام اشاره دارد. سه صفت «التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الرَّكِيُّ» نیز در وزن فعلیل به کار رفته‌اند.

۲-۷. شهادت به ویژگی‌های ائمه اطهار در جمله چهارم

در جمله «أَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى» شهادت به ویژگی‌های ائمه اطهار علیهم السلام همانند اسلوب جملات قبل، با خبر اسم و تکرار آن بیان می‌شود؛ اما نکته قابل توجه، تقدم جار و مجرور «مِنْ وُلْدِكَ» است تا افزون بر بیان این که ائمه اطهار علیهم السلام از نسل امام حسین علیه السلام هستند، تمام ویژگی‌های ذکر شده پس از آن را نیز بار دیگر برای امام حسین علیه السلام بیان کنند.

درو ویژگی‌ها و اوصاف «كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهُدَى وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى» افزون بر وجود مصوت کشیده «آ» در پایان‌شان که به برتری و دائمی و همیشگی بودن آنها اشاره می‌کند، صامت‌های «قاف» و «دال» سبب صلابت و فخامت این ویژگی‌ها از نظر آوایی و معنایی می‌شود. نکته قابل توجه این است که امام صادق علیه السلام آخرین ویژگی «الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ

الدُّنْيَا» را با سه ویژگی پیشین، متفاوت بیان می‌فرماید تا به کوتاه بودن و انحصار آن در دنیا اشاره کند؛ یعنی ویژگی «حجت» تنها تا زمان حیات ائمه علیهم‌السلام به آنها اعطا می‌شود.

۷-۳. شهادت امام صادق علیه‌السلام به اعتقادات خویش

جمله «أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ» با عطف‌های گوناگون گسترده شده است تا روایتگر اعتقاد فکری، قلبی و عملی امام صادق علیه‌السلام نسبت به ائمه اطهار باشد. حضرت این اعتقادات را در پنج جمله اسمیه با خبرها «مُؤْمِنٌ»، «مُوقِنٌ»، «سَلِمٌ»، «مُتَّبِعٌ» و «مُعَدَّةٌ» که همگی اسم هستند بیان فرموده تا گواهی دهد که ایمان، یقین، تسلیم، پیروی و آمادگی را در خود تثبیت کرده است. تقدم جار و مجرورهای «لَكُمْ»، «بِإِيَابِكُمْ»، «لِقَلْبِكُمْ»، «لَأَمْرِكُمْ» و «بِكُمْ» که به ائمه اطهار اشاره می‌کند، بر این پنج خبر نشان دهنده و تأکید کننده محدود و رمزاین پنج ویژگی است. از سوی دیگر، تکرار واژگان «لِقَلْبِكُمْ»، «لَأَمْرِكُمْ» و «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ» مهر تأکید و تثبیت را به گواهی امام صادق علیه‌السلام می‌زنند.

اشاره به معنای آوایی واژگان «مُؤْمِنٌ»، «مُوقِنٌ»، «سَلِمٌ»، «مُتَّبِعٌ» و «مُعَدَّةٌ» به عنوان خبر جملات، هدف امام صادق علیه‌السلام را از گزینش آنها روشن می‌کند. وجود صامت «میم» در تمام این واژگان، بیانگر جمع کردن و کسب کردن این ویژگی را در امام صادق علیه‌السلام است. تنوین ضمه که با قرائتش آوای «او» و «نون» را آشکار می‌کند، تأثیرگذاری این ویژگی‌ها در ظاهر و باطن امام صادق علیه‌السلام را بیان می‌کند. این امر در دو واژه «مُؤْمِنٌ» و «مُوقِنٌ» به سبب صامت «نون» نسبت به سایر واژگان، بیشتر مورد تأکید امام است و سراسر جمله، با کاربرد و تکرار صامت‌های نرم و روان «نون»، «میم»، «عین» و «لام»، آوایی نرم و لطیف دارد. تکرار جار و مجرور «مَعَكُمْ» دو بار و سومین بار بدون اتصال به مجرور «مَعَ عَدْوِكُمْ»، معیت امام صادق علیه‌السلام را با ائمه اطهار و نفی همراهی با دشمنان را تأکید می‌کند.

۸. صلوات و درود بر اهل بیت علیهم‌السلام

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَزْوَاجِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَعَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ
آمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام صادق علیه‌السلام زیارت را با صلوات به ساحت ائمه اطهار علیهم‌السلام در قالب جمله اسمیه گسترده با تکرار خبر، به پایان می‌برد. ذکر خبرهای جمله به صورت تضاد و تکرار ضمیر

«کم» نشان می‌دهد که امام صادق علیه السلام در صلوات خود، تمام حالات ائمه اطهار علیهم السلام را لحاظ کرده است تا صلواتی جامع و کامل را به ساحت‌شان عرضه کند. تکراری در پی مصوت کشیده «آ» در هر ویژگی از یک سو بیانگر علو و برتری و ثبوت و امتداد آنهاست و از سوی دیگر، صلواتی جاودان و همیشگی را عرضه می‌کند. تکرار وزن اسم فاعل همراه تکرار ضمیر «کم» و چینش مصوت‌های کوتاه به ترتیب «فتحه»، «کسره» و «ضمه» در هر کلمه، صلوات را با آهنگ و موسیقی دلنشینی القا می‌کند.

نتیجه‌گیری

دانش سبک‌شناسی با تجزیه اثر به لایه‌های آوایی، صرفی، نحوی و بلاغی، به دنبال بیان دیدگاه و احساس نویسنده و تأثیرگذاری متن است. براساس این رویکرد، زیارت‌نامهٔ اربعین دردولایهٔ آوایی و نحوی مورد بررسی قرار گرفته که در مجموع، دیدگاه امام صادق علیه السلام در این دولایه به اشکال زیر بیان شده است:

آن حضرت تمام سلام‌های زیارت‌نامه را با جملات اسمیه کوتاه و مستقل و با صامت‌های نرم و روان بیان می‌فرماید تا نهایت عاطفه و احساس خود را در این سلام‌ها به محضر امام حسین علیه السلام عرضه کند. البته در سلامی که نام امام حسین علیه السلام ذکر شده است، اندوه و غم و امتداد صوت در جمله موج می‌زند که نشان از حب و علاقه و اندوه فراوان امام صادق علیه السلام دارد. کاربرد سجع و جناس و تکرار متناسب با معنای مورد نظر امام در متن، موسیقی داخلی و بیرونی زیبایی را به برخی جملات از جمله سلام‌های آغازین زیارت‌نامه و صلوات پایانی آن بخشیده است تا توجه مخاطب به آنها معطوف و در ذهن او ماندگار شود. تمام اوصاف و اعتقادات از صامت‌هایی تشکیل شده‌اند که معنای آنها را تقویت می‌کنند و وجود مصوت‌های کشیده در اغلب آنها به علو و برتری مقام‌شان و امتداد و بقای آنها اشاره می‌کنند.

فراوان‌ترین جملات در زیارت‌نامه جملاتی هستند که به جایگاه و مقام امام حسین علیه السلام، خلیات و اوصاف ایشان همراه ذکر سیرهٔ حضرت، جایگاه و مقام ائمهٔ اطهار علیهم السلام و اعتقادات امام صادق علیه السلام شهادت و گواهی می‌دهند. امام صادق علیه السلام

شهادت‌ها را در یازده مرتبه تکرار خود از یک سو با فعل مضارع متکلم وحده (أشهد؛ شهادت می‌دهم) در قالب جملات فعلیه آغاز می‌کند تا از این طریق بیان کند که این شهادت‌ها در زمان جریان دارند و پویا و ادامه‌دار هستند و در هر عرصهٔ زمانی هر فردی که زیارت‌نامه را قرائت کند شهادت‌ها مستقیماً از زبان او بیان شوند. از سوی دیگر، در آن جا که سخن از اوصاف و مقامات و جایگاه و اعتقادات می‌شود، جملات مفعولی فعل «أشهد» را به صورت اسمیه با خبر اسمی بیان می‌کند تا به اوصاف و اعتقاداتی شهادت دهد که تثبیت شده و مداوم است.

امام صادق علیه السلام در یک فراز از زیارت‌نامه، در قالب جملات فعلیه با افعال ماضی به وصف دشمنان امام حسین علیه السلام می‌پردازند. ایشان احساس منفی و نظر سلبی خود را دربارهٔ آنها با افعال و اوصافی بیان می‌فرماید که افزون بر معانی منفی، از صامت‌هایی تشکیل شده‌اند که معنای قساوت، عنف، شدت، ناچیزی و پستی می‌دهند. لعن و نفرین امام با افعال ماضی بیان می‌شود تا عقیدهٔ امام را مبنی بر این که لعن‌ها به وقوع پیوسته‌اند، بیان کند.

در نهایت امام صادق علیه السلام صلواتی جامع و کامل را در قالب جملهٔ اسمیهٔ گسترده با خبرهای اسمی متضاد و متعدد با آوایی نرم و ممتد بیان می‌فرماید.

منابع

- ابوالعدوس، يوسف (٢٠٠٧م)، الأسلوبية الرؤية والتطبيق، عمان: دار المسيرة.
- جبر، محمد عبدالله (١٩٨٨م)، الأسلوب والنحو، اسكندرية، دارالدعوة، چاپ اول.
- حسینی، راشد بن حمد بن هاشل (٢٠٠٤م)، البنى الأسلوبية فى النص الشعري، لندن، دار الحكمة، چاپ اول.
- رافعى، مصطفى صادق (١٩٦١م)، إعجاز القرآن والبلاغة النبوية، تحقيق: عبدالله المنشاوى، بی جا، مكتبة الإيمان.
- سامرائی، فاضل صالح (٢٠٠٧م)، الجملة العربية تأليفها وأقسامها، اردن، دار الفكر، چاپ سوم.
- سیدی، سید حسین؛ نفیسه حاجی رجبی (پاییز و زمستان ١٣٩٤ش)، «سبک شناسی دعای عرفه»، مطالعات اسلامی علوم قرآن و حدیث، سال چهل و هفتم، پیاپی ٩٥.
- عباس، حسن (١٩٩٨م)، خصائص الحروف العربية ومعانيها، دمشق، اتحاد الكتاب العرب.
- عباس، حسن (٢٠٠٠م)، حروف المعانى بين الأصالة والحداثة، دمشق، اتحاد الكتاب العرب.
- عبداللطيف، محمد حماسه (٢٠٠٣م)، بناء الجملة العربية، قاهره، دارغريب.
- عبدالنور، جبّور (بی تا)، المعجم الأدبی، بیروت، دارالعلم للملایین.
- عزة، آغاملك (١٩٨٦م)، «الأسلوبية من خلال اللسانية»، مجلة الفكر العربي المعاصر، بیروت، مركز الأنماط القومي، آذار، العدد ٣٨.
- عیاد، محمود (١٩٨١م)، «الأسلوبية الحديثة محاولة تعريف»، فصول، المجلد الأول، العدد ٢، يناير.
- غامدى، منصور بن محمد (٢٠٠٠م)، الصوتيات العربية، رياض، مكتبة التوبة.
- غريب، روز (١٩٧١م)، التمهيد فى النقد الحديث، بیروت، دار المكشوف، چاپ اول.
- فاضلى، محمد (١٣٨٨ش)، دراسة والنقد فى مسائل بلاغية هامة، تهران، انتشارات

- سمت، چاپ سوم.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱ش)، سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- فضل، صالح (۱۹۹۲م)، بلاغة الخطاب و علم النص، کویت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الادب.
- موسوی، سید محسن (۱۳۸۹ش)، تجرید و آواشناسی، انتشارات پژوهشکده حدیث.
- ناجی، مجید عبدالحمید (۱۹۴۸م)، الاسس النفسیة لأسالیب البلاغة العربیة، بی‌جا، مؤسسات الجامعیة للدراسات و النشر، چاپ اول.

